



# خبرنامه

فهرست سیاسی

مادر لباس ها را گرفت و گفت: (( هفت سال مرا از کرج به اوین کاشانید و هر بار پرسیدم، دقتم کن آزار می شود؟ گفتید: بزودی. حالا بی آنکه نشانی کورش را برهید، تنها لباس هایش را تعویض می دهید لباس های او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا یادمان نرود شما با ما چه کردید!))

## شکاف میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا

بابک

کشورهای اتحادیه اروپا بغیر از انگلیس در جریان جنگ افغانستان متوجه شدند که قفل‌ها را بسته اند و آمریکا حاضر به رعایت سهم آنها در کنترل جهان به نسبتی که انتظار داشتند نیست و با روی کار آوردن رژیم دست نشاندۀ خود در افغانستان عملاً دست آنها را در امور سیاسی افغانستان کوتاه کرده است.

تمامیت خواهی آمریکا برای تسلط بر جهان و منابع نفت، اتحادیه اروپا را که اکنون برای حراست از منافع خود در مقابل آمریکا سعی می کند خود را منسجم تر و قوی تر کند، اختلاف میان اروپا و آمریکا را افزایش داد. این اختلاف در دوره اخیر خود را به صورت جنگ اقتصادی بروز داده است.

تا زمانی که عوامل بیرونی منافع مشترک دولت های سرمایه داری را مورد تهدید قرار می دهند آنها برای حراست از منافع جمعی شان دست به سازش های موقت می زنند. **بقیه صفحه ۲**

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹، امپریالیست ها، بسرگردگی ایالات متحده آمریکا که تا آن زمان وجود اختلاف میان خود را انکار می کردند و یا اگر هم مجبور بودند بپذیرند اختلافی وجود دارد، برای مقابله با دشمن مشترک سعی می کردند با تقسیم بندی جهان میان خود بطوری که همه از سهم دریافتی راضی باشند آن را کاهش دهند، به بلزنویسی و تقسیم مجدد جهان پرداختند. در این تقسیم بندی آمریکا که اکنون بزرگترین و قوی ترین ارتش دنیا را در اختیار دارد خواهان سهم بیشتری است و می خواهد اداره سیاست و اقتصاد جهان را با میلیتاریزه کردن جهان به تنهایی در دست بگیرد. از این رو ابتکار عمل را در دست گرفت و از فرصت هائی نظیر القاعده و طالبان که در گذشته به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تدارک نبیده بود استفاده کرد و متحدین اروپائی خود را با طرح مبارزه علیه تروریسم بنیال خود کشاند.

## " تجربه ای از مقاومت در زندان "

عباس افشم

بخش دوم

اعتراض زدند و در مقابل اداره زندانها و در پارک وی که یکی از شلوغ ترین توبان های شمال تهران است تجمع کردند. زندانیان در یک اقدام سریع برای درهم شکستن اعصاب، هولخوری را قطع کردند. درهای اتاق ها را بستند و حدود یک سوم زندانیان سالن ۳ را به سلول های انفرادی بردند و محدودی را به بند زندانیان علای منتقل کردند. ما تصمیم گرفته بودیم در هر شرایطی به اعصاب غذا تا روز تعیین شده ادامه دهیم. بعد از ظهر روز جابجائی زندانی ها بعد از باز شدن در اتاق ها متوجه شدیم پاسدارها مغول وار شیبخون زده و وسائل زندانی ها را وسط اتاق ها پخش و پلا کرده اند. وقتی مشغول تمیز کردن اتاق ها بودیم صدای فریادهای جمعی را که از بیرون بند که به طرف سالن ما می آمدند شنیدیم که داد می زدند "مرگ بر کمونیست" **بقیه صفحه ۲**

در این زمان زندانی های سیاسی را از اتاق های ۶۸ و ۶۹ بیرون بردند و زندانیان بهائی را که اکثر از رده های بالای جامعه بهائیت بودند در این اتاق ها جا دادند. از همان روزهای اول رابط خیلی خوبی میان ما برقرار شد. همزمان با ورود آنها به بند تصمیم گرفتیم بعطت عدم رسیدگی به خواسته هایمان به مدت سه روز اعصاب غذا کنیم. با آشنائی به وضعیت زندانیان بهائی به زندانیان اعلام کردیم که آنها در اعصاب غذا دخالتی ندارند و سهم غذای خود را می پذیرند. یکی از روزهای ملاقات بعنوان روز اول اعصاب غذا انتخاب شد. بنا بر این تصمیم گرفتیم ملاقات را تحریم کنیم. اما قرار شد اولین گروه به ملاقات برود و خبر اعصاب غذا و تحریم ملاقات را به خانواده ها بدهد. خانواده ها در همبستگی با زندانیان اعصابی، دست به

## حکم اعدام و زندان برای سه زندانی سیاسی

شعبه يك دادگاه فرمایشی "انقلاب" اسلامی رژیم در مستندج مسلمان آل کنعان ۲۵ ساله را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و همکاری با کومه له بموجب حکم ۴۶۴۵۱-۸۱ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۵ به اعدام محکوم کرد. به او گفته اند تا ۲۰ روز دیگر از تاریخ حکم اعدام، حکم او برای تنقید به دیوان عالی رژیم ارسال خواهد شد. چنانچه دلالی بر بیگناهی خود دارد می تواند در این مدت ارائه دهد. این در حالی است که مسلمان در تمام مراحل بازجویی و بازپرسی اتهامات وارده را رد کرده است.

دو زندانی سیاسی دیگر، عنان قادری ۲۵ ساله و عثمان مرادی ۲۰ ساله از سوی همین دادگاه به اتهامات مشابه، هرکدام به ده سال زندان و تبعید به خرم آباد و میناب محکوم شده اند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) طی انتشار اطلاعیه حکم اعدام مسلمان آل کنعان را محکوم نمود و از همه مدافعان آغای مجازات اعدام بویژه نهادهای مدافع حقوق بشر درخواست کرد حکومت اسلامی ایران را برای لغو فوری و بدون قید و شرط حکم اعدام مسلمان و احکام زندان عنان و عثمان تحت فشار قرار دهند.

شایان توجه است که خبر اعدام مسلمان آل کنعان در شماره ۴۳ خبرنامه منعکس گردیده که سن او به اشتباه ۱۹ سال اعلام گردید که به این وسیله تصحیح می گردد.

## مرگ دو پناهنده ایرانی در ترکیه

جسد دو پناهنده ایرانی به نام های جولاد عظیمی و شهرام زرگانی حدود ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۳۰ ژانویه در يك وانت در حومه شهر بلجیک ترکیه پیدا شد. راننده يك اتوبوس شهری به هنگام عبور از يك خیابان این شهر متوجه يك مستگاه وانت می شود که به صورت غیرعادی پارک شده است. اتوبوس را متوقف می کند و بطرف وانت میرود. در آنجا مشاهد می کند که دو جسد در صندوق عقب وانت قرار گرفته و راننده نیز بیهوش است. بلافاصله پلیس را خبر می کند. پلیس اجساد دو پناهنده ایرانی و راننده محلی وقت را به بیمارستان شهر منتقل می کند و سپس با همسر جولاد تماس می گیرند و از او می خواهند به بیمارستان برود. علت مرگ این دو هنوز مشخص نیست اما گفته می شود جولاد مکرر عنوان می کرده که بخاطر وضعیت غیرقابل تحمل خود در ترکیه و عدم وجود چشم انداز برای دریافت پناهندهگی از یو ان دست بخونکشی خواهد زد. جولاد ۲۵ سال داشت و عضو گروه ۱۲ نفره ای بود که همراه با کلمران فرامانده در **بقیه صفحه ۳**

### در صفحات دیگر

- ۲. پسر ۱۶ ساله ای در اثر فشار سرما به ماشین مسافرکش پناه برد
- ۳. این جنگ بر سر سلاح شیمیایی و یا حقوق بشر نیست: برای نفت است
- ۲. تطبیق حکم سنگسار
- ۴. اعصاب مطمئن
- ۴. تگتنگ نگاری از پناهندگان در اروپا

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به سره عدالت علیه بشریت و عامین شکنجه و اعدام و کشتار ده ها هزار دگراندیش سیاسی و فرهنگی، سرده کوفه و خیابان مبتنی بر محبتهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فریاد آزادی رژیم نقطه عطفی باشد برای دادخواهی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفس زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

## زندانی سیاسی آزاد باید کرد!

## شکاف میان کشورهای ...

خصالت این سلازها مسلوبیت با سلازش در باره تقسیم منافع آنها در باره تقسیم جهان فراداد منفعه می کنند و به این وسیله رقابت را در میان خود از بین می برند اما همین که این تقسیم بندی دستخوش تغییر می گردد، رقابت جای سلازش را می گیرد و جنگ بر سر حفظ منافع آغاز می شود.

آمریکا با لشکرکشی به عراق در واقع روندی را که برای در هم ریختن این تقسیم بندی بنفع خود از افغانستان آغاز کرده دنبال می کند. مسلماً بعد از استقرار نیروهای نظامی اش در عراق و مستقر کردن یک دولت مست نشانده در این کشور در صدد تغییر رژیم اسلامی و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده که رضا پهلوی و دار و دسته او در کانون آن قرار خواهند داشت برخواهد آمد و کل معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه را بنفع خود به هم خواهد ریخت. این موضوع بخشی از نگرانی کشورهای منوپل طرف معامله رژیم اسلامی ایران بویژه آلمان و فرانسه است که بیشترین سهم در معاهدات اقتصادی با حکومت اسلامی را دارند. آنها برای چپاول مال تحت ستم دکترین متقواتی ارائه می دهند و معتقدند تا زمانی که می توانند با حمایت و تقویت رژیمهای حکم بر این جوامع به منافع خود برسند نیازی به جنگ و لشکر کشی ندارند. در عین حال آنها می دانند آمریکا با جنگ و استقرار در این جوامع می خواهد بیشترین منافع را ببرد.

آمریکا با آنکه خود جاده را برای روی کار آمدن یک رژیم مذهبی در ایران در سال ۱۳۵۷ هموار نمود اما بخاطر احساسات ضد آمریکایی توده های رنج کشیده مردم ایران نتوانست نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را که با کوبتای ۱۳۳۲ و استقرار حکومت دست نشانده شاه بدست آورده بود بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی حفظ کند. در عراق هم آمریکا بعد از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۰ نفوذ خود را از دست داد و روسیه و فرانسه جای آن را گرفتند.

در دستگاه رهبری آمریکا افرادی وجود دارند که می خواهند آمریکا به تهناتی سرنواشت جهان را بدست گیرد. این عده اگرچه می دانند که این رویانی تحت ناپذیر است با این حال معتقدند به یکبار آزمایش آن می لوزد. افراد دیگری در دستگاه رهبری آمریکا معتقدند که آمریکا باید برای توجیه این جنگ پای متحین اروپایی خود را به میدان بکشد و یا حداقل از حمایت آنها برخوردار باشد. مخالفت فرانسه و آلمان با جنگ آمریکا علیه عراق که از نفوذ زیادی در اتحادیه اروپا برخوردار هستند عملاً تلاش دولت بوش را تاکنون برای درگیر کردن اتحادیه اروپا در جنگ علیه عراق ناکام گذاشته است. آنها دلایل آمریکا برای حمله به عراق را قانع کننده نمی دانند و درخواست بوش برای دخالت نانو در جنگ را رد کردند. مخالفت فرانسه و آلمان آمریکا که خود را بام جهان می داند در تنگا قرار داد و سیاست یک تازانه آن را دستخوش ضربه کرد دولت های انگلیس و اسپانیا که در اتحادیه اروپا رقبای ضعیفی برای فرانسه و آلمان هستند و به همین دلیل نیز برای بردن سهم بیشتر از تصمیمات جهانی از متحین اصلی آمریکا محسوب می شوند، برای حمایت از آمریکا در جنگ علیه عراق نامه ای منتشر کردند که دولت های ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، انگلستان، دانمارک و سه کشور سابق بلوک شرق، جمهوری چک، لهستان و مجارستان آن را امضاء کردند.

سختگیری تونی بلر، نخست وزیر انگلیس در یک مصالحه مطلوب عتی گت: "از فرانسه و آلمان برای امضای این نامه دعوت نشده است. آنها باید بدانند که نمی توانند خود را نماینده کل اروپا بدانند". این نامه اختلافات موجود در اتحادیه اروپا را به نمایش می گذارد و در عین حال موجب شکاف در آن شد.

انتشار این نامه نمی تواند بدون دخالت دولت بوش حاصل شده باشد. بنظر می رسد دستگاه رهبری آمریکا به این وسیله می خواهد به آن دسته از کشورهای اروپایی که نمی خواهند سروری بلامنزاع و منافع برتر آمریکا بر جهان را ببینند هشدار داده باشد که اروپای متحد تنها در پذیرش رهبری آمریکا می تواند معنا و مفهوم بیابد.

مولزی با رقابت دولت های سرمایه داری اروپا و آمریکا برای غارت و چپاول مسیر ملل تحت ستم، جنبش های ضد جنگ، ضد سلطه گری و ضد سرمایه داری در سراسر جهان در حال شکل گیری و گسترش اند. بسیاری از توده های مردم بویژه نسل های جوانتر دریافته اند که به سادگی نمی توانند نسبت به وقایع درونکنی که در کنارشان می گذرد بی تفاوت باشند. چرا که نه تنها چیزی به دست نمی آورند بلکه آنچه را هم که دارند از دست می دهند. آنها دریافته اند که تنها با اتکا به نیروی خود و همبستگی بین المللی است می توانند از وقوع جنگهای ویرانگر که هیچ نفعی در آن ندارند جلوگیری کنند و آمریکا و هم پیمانانش را مجبور به عقب نشینی کنند. این جنبش ها را باید با شرکت فعال در آنها برای رویکرد به مبارزه طبقاتی علیه سلطه سرمایه و ایجاد شکاف در صف بندیهای آمریالیستی تقویت کرد.

## مرگ دو پناهجوی ...

اعتراض به سیاست های سختگیرانه یو آن تصمیم به خودکشی گرفته بودند. یو آن هفته سوم ژانویه سال جاری مجدداً با جواد مصالحه کرد و به او گفت شانس زیادی برای دریافت پناهندگی دارد. شهرام زرگانی از جمله بهائیت بود و درخواست پناهندگی وی از طرف یو آن پذیرفته شده بود. او قرار بود به آمریکا منتقل شود. اجساد این دو پناهجوی ایرانی برای کالبد شکافی به شهر بزرگتری انتقال یافته است.

## پسر ۱۶ ساله ای در اثر فشار سرما به ماشین مسافرخش پناه برد و دستگیر شد

پسر ۱۶ ساله ای که برای فرار از سرمای شدید و برف روز سه شنبه ۸ بهمن ماه به داخل یک ماشین مسافرخش پناه برده بود توسط مامران کلانتری شهر آرا دستگیر شد.

این پسر ۱۶ ساله که مهرداد نام دارد در دانشگاه گت: پدر و مادر هر دو معتاد بودند و به این اتهام در زندان بسر می برند. من که تنها فرزند آنها هستم چون هیچ کس و هیچ جلیبی برای زندگی ندارم در کنار خیابان، داخل پارکها و یا پارکینگهای عمومی شب را به صبح می رانم. شب سه شنبه که برف و باران شدیدی می بارید، چون ایلمسم بسیلر کم بود و از سرما در حال خشک شدن بودم و هیچ سرپناهی هم نداشتم، جلوی یک ماشین مسافرخش را گرفتم و به او گفتم چند ساعتی مرا در خیابان بگردان. سپس در حالی که بخاری ماشینش را روشن کرده بود، چند بقیه صفحه ۴

## "تجربه ای از مقاومت..."

حظاتی بعد حدود چهل تا پنجاه زندانی عادی وارد سالن شدند. پیشاپیش آنها حمیدرضا پهلوی برادر شاه بود که به اتهام قتل فلور خواننده زن قدیمی در زندان بسر می برد. با مشت گره کرده شعار می داد "مرگ بر کمونیست توده ای". این عده از شورورترین زندانیان عادی بودند که به اتهام قتل، تجاوز و دزدی مسلحانه در زندان بسر می بردند. سرسته آنها یک استوار ژاندارمری بود که به اتهام قتل یک سرباز و تجاوز به زن او در زندان بود. معاون او "صرت خوفناک" هم که به اتهام قتل در زندان بسر می برد در میان این عده بود. با ورود این عده به بند فضا متشنج شد و می رفت بین آنها و بعضی زندانیان سیاسی درگیری ایجاد شود که به موقع جلوی آن را گرفتیم. به این ترتیب نقشه زندانیان که در صدد بودند با ایجاد درگیری در بند زندانی های سیاسی را به اتهام شورش در زندان به محاکمه بکشاند نقش بر آب شد.

در پی این ماجرا، پاسداران اعلام کردند استوار ژاندارمری مسئول بند و "صرت خوفناک" معاون بند است. تصمیم گرفتیم آنها را تحریم کنیم. قرار شد هر زندانی را برای ملاقات، بهداری و یا دادگاه صدا زدن از رفتن امتناع کند تا پاسدارها مجبور شوند برای بردن او خود به داخل بند بیایند. صد البته بخاطر این کار در بیرون بند پذیرانی مفصلی از ما کردند و دنده ها و کله ها شکستند. از آنجا که غذا را همین ها تقسیم می کردند از گرفتن آن خودداری کردیم و به مدت یکماه تحریم غذا به ما تحمیل شد. در این مدت غذای ما شورترشی و تن ماهی بود که بچه ها از گورشت و سایر بندهای دیگر با خود آورده بودند. از یکی از اطاق ها به عنوان آشپزخانه استفاده می کردیم و با یک قطعه سیم و دو عدد چنگال و قاشق که برق آن از سرپیچ لامپ گرفته می شد یک وسیله برقی درست کردیم. شورها را می شستیم و با اضافه کردن تن ماهی و بعدها بدون مخلفات، غذایی آماده می کردیم. روزهای متوالی به هر چهار نفر فقط یک بشقاب غذا می رسید. زندانی های سالن ۵ به لحاظ مواد غذایی به ما کمک زیادی می کردند و در حقیقت پشت جبهه ما بودند. وقتی زندانیان ما متوجه شدند که آنها نیمی از سهم نان خود را به ما می دهند جیره نان آنها را نصف کردند اما باز هم مقداری نان خشک شده به ما می رسانند. در این دوره اکثر زندانی ها بخاطر تغذیه بد و کمبود غذا وزن کم کرده و تحرک خود را از دست داده بودند. اما وقت تقسیم غذا جنب و جوشی در می گرفت و مسئولین صفی اطاق ها، سطل در دست به طرف آشپزخانه، اطاق ۷۰، هجوم می بردند.

با تصمیم قبلی، اولین گروه زندانی های سیاسی که نامشان از جانب زندانی های عادی مسئول بند خوانده شد، به ملاقات رفتند و ماجراهائی را که در بند می گذشت با خانواده ها در میان گذاشتند. بعد از آن ملاقات را تحریم کردیم. در این دوره با برخی زندانی های عادی که نامه های بدی بنظر نمی رسیدند نزدیک شدیم و رابطه موثری با آنها برقرار کردیم. همین باعث شد به موقع در جریان اقداماتی قرار بگیریم که زندانیان ما می خواستند به کمک زندانی های عادی علیه زندانیان سیاسی انجام بدهند. اینگونه توانستیم نقشه آنها را به موقع نقش بر آب کنیم.

این جنگ بر سر سلاح های شیمیایی و یا حقوق بشر نیست: برای نفت است.

این جنگ را ۵ سال پیش صاحبان کارتل های نفتی نظیر دیک چینی برای تسلط بر "منابع حیاتی" خلیج فارس طرح ریزی کردند.

نویسنده: رابرت فیسک ترجمه و توحیح: پویا روی کف یک ساختمان بتونی قدیمی در حومه شهر امان نشسته بودم. گوشت بره با برنج می خوردم. چند مرد ریش سفید محله معان- منطقه مذهبی و تفرمان شهر- در کنارم نشسته بودند. با دست گوشت و برنج را لقمه می کردند و می خوردند. از من خواستند که بیشتر بخورم تا اینکه بیکباره احساس کردم ما بریتانیایی ها در ۱۰۰ اخیر از خاورمیانه اقتدر خورده ایم که دیگر گرسنه نیستیم. مردان ریش سفید بعد از صرف غذا به نیش پردلختند تا آنکه پیرمردی از میان آنان گفت: "اکنون آمریکایی ها ما را می چایند".

از میان در، می توانستیم ریزش باران را بر روی سنگ فرش پیاده رو ببینیم. باد تندی از شرق، از شوره زارهای اردن و عراق به داخل اتاق می وزید. همه ی مردان اتاق معتقد بودند که بوش بخاطر علاقه اش به نفت به عراق حمله می کند. این نظر همه ی کسانی است که من در شش ماه گذشته در کشورهای عربی ملاقات کردم. بسیاری از اسرائیلی ها همین عقیده را دارند. من هم همین عقیده را دارم. زمانی که یک رژیم آمریکایی در عراق مستقر شود، شرکت های نفتی ما به ۱۱۲ میلیارد بشکه نفت دسترسی خواهند یافت. با توجه به منابع نامحدود نفت در این منطقه، ما ممکن است در نهایت کنترل یک چهارم منابع نفت جهان را در دست بگیریم.

وزارت انرژی ایالات متحده در اوایل ماه اعلام کرد که ۷۰ درصد نفت مصرفی این کشور تا سال ۲۰۲۵ از خارج وارد خواهد شد. این رقم تا دو سال گذشته ۵۵ درصد بود. براساس آماری که مایکل رنر از موسسه جهانی نظارت بر انرژی انتشار داده، ذخایر نفت آمریکا به سرعت رو به اتمام است و منابع بسیاری از کشورهای نفت خیز که در خارج از اوپک قرار دارند در حال خشک شدن است. با این حساب، منطقه خلیج فارس تنها تضمین کننده نفت در آینده خواهد بود. ۷۰ درصد منابع نفتی شناخته شده جهان در خاورمیانه قرار دارد.

بر اساس تحقیقات موسسه اقتصاد هیدروژن، چنانچه تولید نفت در سطح کنونی باقی بماند، ذخایر نفت در آمریکا که ۶۰ درصد آن مصرف شده ۱۰ سال دیگر به اتمام خواهد رسید. این رقم در نروژ ۱۰ سال، در کانادا هشت سال، در ایران ۵۲ سال، در عربستان ۵۵ سال، در امارات متحده عربی ۷۵ سال، در کویت ۱۱۶ سال و در عراق ۵۲۶ سال است.

زمانی که دونالد رامسفلد در سال ۱۹۸۲ صمیمانه دست صدام حسین را فشرود. دست بعد از آنکه پدر بزرگ علیه مخالفان خود از گاز شیمیایی استفاده کرد، کوچکترین اثری از نگرانی در چهره او نسبت به نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت دیده نشد.

جوست هیترمن در مقدمه کتابش می نویسد: "ایا

کسی می داند در دهه ۱۹۸۰ در پنتاگون چه گذشت؟ جوست هیترمن کتابی در باره روابطه آمریکا و عراق در دست تحریر دارد. او با مطالعه اسناد کلاسه بندی نشده دولت ایالات متحده، می خواهد دریابد چرا پنتاگون بعد از آنکه صدام ۶۸۰۰ کرد عراقی را با استفاده از گاز شیمیایی به قتل رساند، در مقام دفاع از او برآمد و در پاره ای اوقات ایران را بخاطر وقوع این جنایت مقصر دانست.

یک سند وزارت امورخارجه آمریکا امروز نشان می دهد پنتاگون- که در آن زمان از صدام حمایت می کرد- به عمد ایران را متهم به این جنایت کرده بود و به دیپلمات های آمریکایی مأموریت داده شد بدون آنکه وارد جزئیات شوند خواستار مجازات ایران برای انجام این جنایت شوند.

درست است، آنها نباید جزئیات را مطرح می کردند چرا که تمام داستان دروغ بود. ایالات متحده پنج سال بعد از مصوبه ۱۱۴ امنیت ملی این کشور، در سال ۱۹۸۳، همان سالی که رامسفلد از بغداد دیدار دوستانه بعمل آورد- میلیارد ها دلار اعتبار مالی و وام در اختیار عراق قرار داد.

سال ۱۹۹۷، در دوران ریاست جمهوری کلینتون، رامسفلد، دیگ چنی و یک مشت راست گرای دیگر- که اکثر آنها به تجارت نفت اشتغال دارند- برای قرن جدید آمریکا طرحی آماده کردند که طی آن خواستار "تغییر رژیم" در عراق شدند. آنها طی نامه ای به کلینتون در سال ۱۹۹۸، خواهان حذف صدام حسین از قدرت شدند. در نامه ای به نیوت گنگریچ، سخنگوی وقت مجلس نمایندگان آمریکا نوشتند: "ما باید اقدام به ایجاد یک پلیگانه نظامی قوی در خلیج فارس بکنیم و از آن برای حفاظت از منافع حیاتی مان و چنانچه لازم باشد برای حذف صدام از قدرت استفاده کنیم."

یک یا هردوی نامه ها در برگزیده امضاء رامسفلد، پاول ولفویتز، معاون رامسفلد در پنتاگون، جان بوتن، دبیر دوم دولت در امور کنترل تسلیحات، ریچارد آرمیتز، معاون کلین پاول در وزارت امورخارجه است. ریچارد آرمیتز سال گذشته از دولت آمریکا خواست با حزب الله لبنان وارد "مشاوره خونین" شود. ریچارد پرل، مستیار سابق وزیر دفاع که اکنون رئیس اداره علوم دفاعی آمریکا است و زلمای خلیل زاد، مشاور شرکت نفت یونوکال لوپریشن نیز این نامه ها را امضاء کردند. خلیل زاد زمانی که یونوکال تلاش داشت برای عبور لوله گاز از افغانستان با طالبان قرارداد منعقد کند نماینده ویژه آمریکا در این کشور بود. او در حال حاضر به "گونه ای معزه آسا" بعنوان نماینده بوش در امور عراق تعیین شده است.

این نامه ها هم چنان دربر گیرنده امضاء الیوت آبرامز، یکی از پروپا قرص ترین مقلات آمریکایی طرفدار Sharon و اسرائیل است که به بخاطر ایفای نقش در رسوایی ایران- کنترا مجرم شناخته شد.

در واقع، من از اینکه می شنوم جنگ دوم جهانی وسیله شده برای توجیه کشتار دیگری حالم نگرگون می شود.

جهان ۸۸ سال پیش بخاطر اینکه یک شاهزاده اتریشی به قتل رسید وارد جنگ شد. ۶۳ پیش بخاطر اینکه هیتر وارد لهستان شد جنگ جهانی به پا کردند. اما امروز وجدان عمومی حاضر نیست به بهانه ۱۱ کلاهک خالی جنگ دیگری را تحمل کند.

## اطلاعیه

## تعلیق حکم سنگسار

دو نفع آبادی رئیس دیوانعالی اداری حکومت اسلامی اعلام کرد شاهرودی رئیس قوه قضائیه، به قضات دستور داده حکم سنگسار صادر نکنند.

حکومت اسلامی حاکم بر ایران از زمانی که در سال ۱۳۵۷ به قدرت رسید، حکم قرون وسطانی سنگسار را براساس قوانین اسلام به اجراء در آورد و بیش از ۱۵۰ زن و مرد را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج به فجیع ترین شکل سنگسار کرد. در مخالفت با این مجازات قرون وسطانی، سازمانهای چپ و مترقی ایرانی، گروه های مدافع حقوق زنان، سازمان های مکرراتیک نظیر کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) و نهادهای مدافع حقوق بشر نظیر عفو بین الملل پیگیرانه فعالیت کردند. مجموعه این فعالیت ها تحلیله اروپا را که اصلی ترین طرف قرارداد اقتصادی با حکومت اسلامی ایران است زیر فشار قرار داد تا در گفتگوهای اش با رژیم شرط رعایت حقوق بشر بعنوان پیش شرط گسترش رابطه اتحادیه با رژیم را مطرح کند. در پیش برد این سیاست در اتحادیه اروپا، احزاب چپ پارلمانی کشورهای اروپایی نظیر حزب چپ سوند نقش برجسته ای ایفا کردند.

اگرچه تطبیق حکم سنگسار برای رژیم عقب نشینی و برای طرفداران لغو آن مستورد محسوب می شود اما به هیچ وجه به معنی لغو آن از قوانین حکم نیست و نباید پیرامون آن به سبک و سباق به اصطلاح اصلاح طلبان حکومتی مبالغه کرد. حکم سنگسار تنها حکم ضدبشری ی نیست که حکومت اسلامی از زمان پیدایش اش به اجراء در آورده است و تطبیق آن نیز به معنی دست برداشتن رژیم از کشتن و ارتکاب جنایت نیست. احکام قرون وسطانی قطع انگشتان دست و پا، گردن زدن، پرتاب از کوه، چشم در آوردن، انواع شکنجه های ضدبشری، تیرباران، حلق آویز همچنین در ایران به اجراء در می آیند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) مخالف همه اشکال اعدام، زجرکشی، پرتاب از کوه، شکنجه و قطع اعضاء بدن است و برای لغو کامل آنها مبارزه می کند. این احکام اصلی ترین قوانینی هستند که حکومت اسلامی بدون آنها معنی و مفهوم نمی یابد. بنابراین، مبارزه برای لغو آنها تنها از طریق مبارزه برای برافکندن نظام و حکومت اسلامی حاکم بر ایران میسر خواهد بود. رژیمی که اساس اش بر آزارتاید جنسی باشد و رابطه آزاد زن و مرد را "گناه" به پندارد قدر مسلم این است که فراکسیون زنان مجلس اسلامی اش نیز در پی یافتن راهی باشند تا با توجه به تبعات مجازات سنگسار و تاثیر منفی آن بر مناسبات بین المللی رژیم جایگزینی برای آن بیابند.

## کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۲۶ دی ۱۳۸۱ برابر با ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳

## "مجره ای از مقاومت..."

یکی از این روزها، "صبرت خوفناک" به همراه چند تن دیگر از زندانیان عادی با آوردن چماق به داخل بند قصد داشتند به زندانیان سیاسی حمله کنند. عده ای زندانی عادی که با ما در رابطه بودند با آنها درگیر شدند و اجازه ندادند از اتاق هایشان خارج شوند. نامه دارد.....

**انگشت نگاری پناهندگان در اروپا**

اتحادیه اروپا اولین پایگاه متمرکز اطلاعاتی حاوی اثر انگشت پناهندگان را با هدف جلوگیری از استفاده مکرر از قوانین پناهندگی اروپا راه اندازی کرده است.

از روز چهارشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۰۳، پناهجویان بالاتر از ۱۴ سال انگشت نگاری می شوند تا مشخص شود قبلاً در یک کشور دیگر اروپایی درخواست پناهندگی نداده باشند.

هر سال حدود ۴۰۰ هزار نفر در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا تقاضای پناهندگی می کنند. مقامات اتحادیه اروپا می گویند این شیوه به ارائه درخواست پناهندگی در چند کشور پایان خواهد داد.

گفته می شود بسیاری از پناهجویان از طریق یک کشور مانند یونان یا ایتالیا وارد اروپا می شوند و سپس در جستجوی شرایط بهتر به کشورهای دیگر اروپایی می روند. اکنون قرار است که این افراد در اولین کشوری که درخواست پناهندگی می کنند انگشت نگاری شوند و مشخصات آنان با اطلاعاتی که در ریزه مرکزی قرار دارد مقایسه شود. لگر مشخص شود کسی قبلاً در کشور دیگری درخواست پناهندگی داده، بر اساس قوانین اروپا، مشخص پناهجو به اولین کشوری که درخواست خود را ارائه داده باز گردانده خواهد شد.

آنها می گویند اجرای این طرح با تعهدات این کشورها برای رعایت حقوق بشر همخوانی دارد و اطلاعاتی که در این پایگاه اطلاعاتی جمع آوری می شود در اختیار دولت های متبوع پناهجویان قرار نمی گیرد.

قرار است اثر انگشت پناهجویان تا ده سال در "یوروداک" حفظ شود.

**حکم اعدام برای یک زن و مرد**

دیوبتعلی رژیم حکم اعدام "خیر النساء" و "محمود معالی" را که چندی پیش از سوی دادگاه جنایی کرج صادر شده بود روز ۹ بهمن تأیید کرد. "خیر النساء" متهم است با هممستی "محمود معالی" شوهرش را به قتل رسانده است. به گفته قضایی دادگاه، پرونده این زن و مرد برای اجرای حکم قصاص (اعدام) به دایره اجرای احکام فرستاده شده است.

همچنین روزنامه اعتماد روز ۲۵ دیماه خبر داد که جوانی بنام "عظیم آریا" در ماهشهر به اعدام محکوم شده است.

اتوشیروان اتقایی رئیس دادگستری نوشهر نیز اعلام کرد زنی بنام "زینب" توسط دادگاه این شهر به شلاق و اعدام محکوم شده است.

روزنامه انتخاب روز ۵ بهمن از صدور حکم اعدام برای جوانی بنام رضا و روزنامه آفرینش در همان روز از صدور حکم مشابهی برای یک زندانی بنام قلندر در تهران خبر داد.

**اعدام شش زندانی در یک روز**  
به گزارش خیرگزاری ایسنا، حکم اعدام "کرم عبدلهی"، "نادر ساداتی"، "الحمد علی گلستانه"، "خلیل منصوری"، مصطفی گنجعلی" و "خلیل پور اتواری" سحرگاه روز ۲۴ دی در زندان لوین به اجرا درآمد. از این گزارش چنین بر میآید که حکم اعدام این شش نفر را دادگاه "انقلاب" اسلامی تهران به اتهام قاچاق مواد مخدر و سرقت مسلحانه صادر کرده است.

**اعتراض کارگران سیمان اصفهان**

بیش از ۱۰۰۰ کارگر کارخانه ریسنگی و بافتگی سیمان اصفهان به خاطر پرداخت نشدن چند ماه حقوق شان، روز چهارشنبه ۹ بهمن در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران در این گردهمایی اعتراضی خواستار لغو قانون باز خرید خود شدند. آنها هم چنین به نحوه استفاده از تسهیلات و تغییر ساختار کارخانه اعتراض کردند.

**مرگ معدنچی آریا سنگ**

ریزش در معدن آریا سنگ شهرستان نی ریز جان ۵ کارگر را گرفت. این ریزش مرگبار با تعداد دوشنبه هفتم بهمن ماه سال جاری در معدن سنگ واقع در تنگ "حفا"ی شهرستان نی ریز رخ داد.

این پنج کارگر جوان، "قاسمعلی جواندیان" به همراه پسر عموی ۲۶ ساله اش "علی جوانیان"، عسگر کشاورز ۲۴ ساله، صمد مرادی ۲۲ ساله و غریب زورمند ۴۲ ساله، که در نوبت سوم کلری معدن و شبانه در حال کار بودند با ریزش سه هزار تن سنگ از بالای معدن زیر این سنگ ها مدفون شدند.

**جوانی که در سن ۱۷ سالگی**

**مرتکب قتل شده بود اعدام شد**  
به گزارش روزنامه آفرینش، به حکم قضایی شعبه ۲۵ دادگاه جنایی شهرستان کرج، جوان ۲۲ ساله ای بنام "الحمد ج" سحرگاه ۲۸ دی در زندان رجایی شهر به دار آویخته شد. او متهم بود در بهمن سال ۱۳۷۶ زمانی که ۱۷ سال داشت در یک نزاع، دوست ۲۵ ساله خود بنام صمد میری را با ضربات کارد به قتل رسانده بود.

**اعتصاب معلمان**

گروهی از معلمان مدارس چند منطقه آموز و پرورش تهران از جمله مناطق ۸ و ۱۵، مدت یکماه است که به نشانه اعتراض به مشکلات صنفی خود از حضور در کلاس های درس خودداری می کنند.

عباس معارفی، رئیس کانون صنفی معلمان، در مصاحبه با رادیو فردا اظهار کرد که تاکنون دو معلم خودکشی کرده اند. او در ادامه گفت: "مشکلات دیگری از قبیل مدیریت های انتصابی تصمیمی به معلمان و اینکه وزارت آموزش و پرورش شان معلم را در نظر نمی گیرد، روی هم انباشته شده و به همین سبب معلمان منطقه ۱۵ در مدرسه حاضر می شدند اما سرکلاس نمی رفتند و این نوع اعتصاب به منطقه ۸ نیز سرایت کرد". وی اضافه کرد که معلم ها به کمی حقوق و نوع مدیریت انتصابی در مدارس، که کارش به ماموران پلیس شبیه است و شان معلم را رعایت نمی کند، اعتراض دارند.

نیروهای انتظامی به تجمع اعتراضی معلمان در برابر اداره آموزش و پرورش منطقه یورش بردند و نمایندگان دو تشکل معلمان تحت تعقیب قرار گرفتند.

معلمان می گویند، کمیسیونی که سال گذشته از سوی خاتمی به ریاست آموزش و پرورش برای بررسی خواسته های معلمان تشکیل شد، کوچکترین قدمی در جهت تحقق مطالبات آنها نکرده است.

**پسر ۱۶ ساله ای که...**

ساعتی را با خیال راحت داخل ماشین استراحت کردم. اما راننده که ظاهراً متوجه بی هدفی و سرگردانی من شده بود در خیابان گیشا از من خواست تا کرایه او را بدهم و از ماشین پیاده شوم. راننده می گوید وقتی به این جوان گفتم کرایهات ۱۵ هزار تومان می شود گفت: من پول ندارم و فقط بخاطر اینکه از سرما نمیرم سوار ماشین تو شدم. حالا اگر می خواهی مرا تحویل پلیس بده! حالا مهرداد خوشحال است که با رفتن به بازداشتگاه برای مدتی از گزند باد، باران و گرسانی در امان خواهد بود.

آدرس های تماس با کانون  
زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

AIPP in exile  
P.O.Box 786  
St Marys 2760  
N.S.W Australia

AIPP in exile  
P.O.Box 35662  
A.B.Q.NM 87176-5662  
U.S.A

AIPP in exile  
P.O.Box 95  
123 22 Farsta  
Sweden

AIPP in exile  
Postbus 14559  
1001 LB Amsterdam  
Holland

AIPP en exile  
Postfach 101520  
50455 Koln  
Germany

تلفن های تماس با کانون

امور بین الملل 46-70-797 38 08  
امور پناهندگی 46-70-402 55 31  
واحد سوئد 46-70-699 83 73  
واحد استرالیا 61-2-96231 924  
واحد هلند 31-6-54315097  
واحد آلمان 49-174-5823006  
واحد آمریکا 1-505-688 15 03

فکس های کانون

46-8-605 2669  
61-2-96231 924  
1-505-897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک های مالی خود را به شماره حساب پستی:

Postgiro: 647039-7  
واریز و فیش بانکی را با کد مورد نظر به یکی از آدرس های کانون پست نمایید.

khbabnameh

The news letter of Association of Iranian Political Prisoners (in Exile)